

überweisen, روز لغت Wort des Tages Überweisung , Überweisungsträger

written by مرتضی غلام نژاد | مارس 3, 2017

überweisen یک فعل می باشد

مراجع کردن ، رجوع دادن ، حواله دادن ، عطف کردن ، واگذار کردن
تسلیم کردن ، دادن ، تحویل دادن ، پول به یک حساب بانکی واریز کردن

گذشته ساده : überwiesen

گذشته کامل : haben überwiesen

Die Miete [per Dauerauftrag] überweisen

کرایه را (از طریق واریز ماهیانه) واگذار کردن

Der Dauerauftrag

عملی است که مشتری از بانک درخواست میکند که هر ماه یک مبلغ ثابت در تاریخ معینی از حساب برداشته شود و به حساب شخص دیگری واریز گردد. به این عمل Dauerauftrag گفته می شود. که ما در اینجا واریز ماهیانه آنرا ترجمه میکنیم.

Regelmäßige Zahlungen kann man sich durch einen Dauerauftrag erleichtern
آدم می تواند پرداخت های بر طبق عادت را از طریق یک واریز ماهیانه آسان و راحت کند.

Mein Gehalt wird immer erst am Monatsende überwiesen

حقوق من همیشه تازه در انتهای ماه واریز می شود.

Sie wurde vom Hausarzt zu einem Facharzt überwiesen

او توسط پزشک خانواده (پزشک عمومی) به یک دکتر متخصص رجوع داده شد.

Eine Akte an eine andere Behörde überweisen

یک پرونده را به یک مقام مسئول دیگر در اداره جات تحویل دادن

اما از این فعل می توانیم به یک اسم مونث نیز برسیم.

Die Überweisung

حواله ، رجوع ، عطف

همچنین به برگ های که در بانک ها برای حواله یا واریز پول است نیز Überweisungsträger گفته می شود.

Der Überweisungsträger

Nicht jeder nutzt Online-Banking, viele Kunden haben noch alte Überweisungsträger in der
Schublade

هر کسی از بانک داری آنلاین استفاده نمی کند ، خیلی از مشتری ها هنوز برگه های واریز قدیمی در کشو دارند.